گزارش «وطن امروز» درباره رشد نامتوازن اشتغال و ضرورت احیای صنعت

چرخه معیوب اشتغال

محمدطاهر رحیمی

اقتصاد ایران در ۲ دهه اخیر، شاهد تحولی عمیق و نگران‌کننده در ساختار اشتغال خود بوده است. داده‌های رسمی مرکز آمار ایران، تصویری واضح از یک دگرگونی بنیادین را به نمایش می‌گذارد. بر اساس این آمار، در حالی که سهم بخش حیاتی کشاورزی از کل اشتغال کشور با سقوطی ۴۰٫۵ درصد درصدی مواجه شده، بخش خدمات با رشدی قابل توجه، اکنون بیش از نیمی از بازار کار ایران (۵۱٫۹ درصد) را به خود اختصاص داده است.

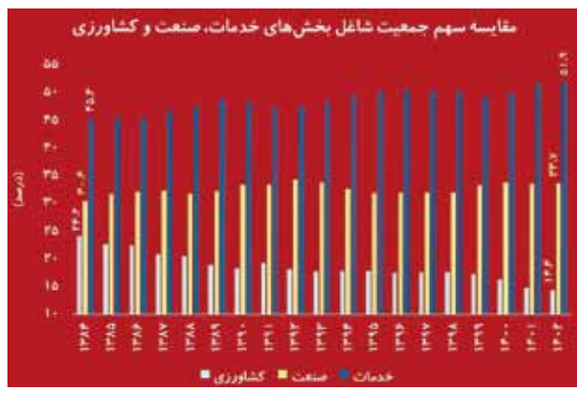

در نگاه اول، رشد بخش خدمات ممکن است پدیده‌ای مطلوب و همسو با روندهای جهانی تلقی شود اما تحلیل عمیق‌تر نشان می‌دهد این رشد، نه در پیوند با یک بخش صنعت و کشاورزی پویا، بلکه به صورت مستقل و گاه در خلأ ناشی از افول بخش‌های مولد رخ داده است. این «رشد نامتوازن» که در آن بخش خدمات به پناهگاهی برای نیروی کار سرگردان از بخش‌های کشاورزی و صنعت تبدیل شده، یک مخاطره جدی برای آینده رشد اقتصادی مولد و پایدار کشور محسوب می‌شود. این گزارش با رویکردی تحلیلی، ضمن ریشه‌یابی این پدیده، استدلال می‌کند که تنها راه برون‌رفت از این بحران، اتخاذ یک سیاست صنعتی مشخص و فعال است که در آن، رشد خدمات در خدمت تقویت و توسعه بخش‌های صنعت، معدن و کشاورزی قرار گیرد. در ادامه، ضمن تشریح مخاطرات وضع موجود، راهکارهایی عملیاتی مبتنی بر اصلاح نظام دستمزد، سیاست‌های پولی هدفمند، توسعه صادرات و تقویت مصرف داخلی ارائه خواهد شد.

■ **تحلیل و ریشه‌یابی وضع موجود؛ چرا اقتصاد ایران خدماتی شد؟**

دگرگونی ساختار اشتغال در ایران، معلول مجموعه‌ای از عوامل درهم‌تنیده است که ریشه در سیاست‌گذاری‌های داخلی و فشارهای خارجی دارند. این تحول را می‌توان در ۳ حوزه کلیدی بررسی کرد.

۱- کشاورزی؛ قربانی بحران آب و غفلت سیاست‌گذار

سقوط ۴۰٫۵ درصدی سهم اشتغال کشاورزی طی کمتر از ۲ دهه، یک مشکل بزرگ برای امنیت غذایی و توسعه روستایی کشور است. این روند نزولی، بیش از هر چیز، نتیجه بحران فراگیر آب و سوءمدیریت منابع آبی کشور است. دهه‌ها برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، خشک شدن تالاب‌ها و رودخانه‌ها و کاهش بارندگی، کشاورزی سنتی را در بسیاری از مناطق کشور غیراقتصادی و ناممکن ساخته است. در کنار این بحران محیط زیستی، فقدان سرمایه‌گذاری کافی در نوسازی زیرساخت‌ها، ترویج روش‌های آبیاری مدرن و حمایت ناکافی از کشاورزان در برابر نوسانات قیمت و واردات بی‌رویه، انگیزه ماندن در این بخش را بشدت کاهش داده است. در نتیجه، نیروی کار روستایی یا به حاشیه شهرها مهاجرت کرده یا به مشاغل خدماتی کم‌بازده در همان مناطق روستایی روی آورده است. رشد ۴۷٫۹ درصدی مشاغل خدماتی در مناطق روستایی، گواهی بر این جابه‌جایی است.

۲- صنعت؛ مواجهه با اشتغال ناقص و ظرفیت‌های خالی

در حالی که سهم اشتغال صنعت رشد جزئی ۱۰٫۹ درصدی را تجربه کرده، این رقم به هیچ وجه بازتاب‌دهنده سلامت این بخش نیست. صنعت ایران سال‌هاست که با پدیده‌ای به نام «اشتغال ناقص عوامل تولید» دست و پنجه نرم می‌کند. این بدان معناست که اگرچه کارخانه‌ها و شهرک‌های صنعتی وجود دارند اما به دلیل موانع متعدد، از تمام ظرفیت خود برای تولید و اشتغال‌زایی استفاده نمی‌کنند. مهم‌ترین دلایل این وضعیت عبارتند از:

فشار هزینه‌های تولید: تورم مزمن، نرخ بالای سود تسهیلات بانکی و نوسانات شدید نرخ ارز، هزینه تمام‌شده تولید را برای صنعتگران ایرانی به‌شدت افزایش داده و قدرت رقابت‌پذیری آنها را در بازارهای داخلی و خارجی تضعیف کرده است.

خروج سرمایه: بی‌ثباتی اقتصادی ناشی از جهش‌های ارزی و محیط نامساعد کسب‌وکار، انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد و بلندمدت را از بین برده است. بخشی از سرمایه‌ها به جای تزریق به خطوط تولید، به سمت بازارهای سفته‌بازی ارز، طلا، مسکن یا خروج از کشور سوق داده می‌شوند.

کمبود سرمایه در گردش: بسیاری از واحدهای تولیدی برای تأمین مواد اولیه و پرداخت هزینه‌های جاری خود با مشکل نقدینگی مواجهند و دسترسی به وام‌های بانکی ارزان و سریع برای آنها دشوار است.

۳- خدمات؛ پناهگاه یا سراب؟

رشد ۱۴٫۳ درصدی سهم خدمات و رسیدن آن به جایگاه غالب در بازار کار، نتیجه طبیعی افول ۲ بخش دیگر است. این رشد عمدتاً در حوزه‌هایی متمرکز شده که نیاز به سرمایه و مهارت کمتری دارند و به نوعی، نقش ضربه‌گیر را برای جذب نیروی کار مازاد ایفا می‌کنند. ظهور پلتفرم‌های اینترنتی در حوزه حمل‌ونقل و گردشگری، در کنار گسترش مشاغل خرد و گاه غیررسمی در حوزه توزیع و خرده‌فروشی، بخش بزرگی از این رشد را توضیح می‌دهد.

مشکل اصلی این است که این نوع رشد خدماتی، مستقل از صنعت و کشاورزی رخ داده است. این خدمات نه در زنجیره ارزش تولید صنعتی مانند خدمات تحقیق و توسعه، طراحی، بازاریابی پیشرفته و لجستیک، بلکه به عنوان جایگزینی برای مشاغل از دست رفته در بخش‌های مولد عمل کرده‌اند. این پدیده، اقتصاد را در برابر شوک‌ها آسیب‌پذیرتر کرده و پتانسیل رشد بلندمدت مبتنی بر بهره‌وری و نوآوری را از آن می‌گیرد.

■ **مخاطرات آینده؛ چرا غفلت از صنعت، کشور را به مخاطره می‌اندازد؟**

ادامه روند کنونی و تعمیق شکاف میان بخش خدمات و بخش‌های مولد، کشور را با مخاطرات راهبردی جدی مواجه می‌سازد. این مخاطرات فراتر از آمارهای اقتصادی صرف بوده و ابعاد اجتماعی و امنیتی نیز دارد.

۱- تله اقتصاد کم‌بازده و غیررقابتی

اقتصادی که ستون فقرات آن را خدمات کم‌بهره‌وری تشکیل دهد، قادر به ایجاد ثروت پایدار و مشاغل باکیفیت و پردرآمد نخواهد بود. رشد اقتصاد در چنین ساختاری، کند، شکننده و وابسته به عوامل بیرونی خواهد بود. بدون یک پایه صنعتی قوی که قادر به تولید کالاهایی با ارزش افزوده بالا و رقابت در بازارهای جهانی باشد، کشور به یک واردکننده صرف کالا و صادرکننده مواد خام و خدمات ساده تبدیل می‌شود که این امر به معنای تضعیف تراز تجاری و کاهش درآمدهای ارزی در بلندمدت است.

۲- پارادوکس منابع بیکار و نیازهای انباشته

خطرناک‌ترین جنبه وضع فعلی وجود همزمان ظرفیت‌های خالی صنعتی و نیروی کار آماده به کار است. این پارادوکس نشان‌دهنده یک قفل‌شدگی عمیق در اقتصاد است. کارخانه‌هایی داریم که می‌توانند بیشتر تولید کنند و جوانانی داریم که به دنبال شغل هستند اما سازوکارهای اقتصادی مثل نظام دستمزد، سیاست‌های پولی و مالی به گونه‌ای تنظیم نشده‌اند که این دو را به هم پیوند دهند. این اتلاف عظیم منابع ملی، بزرگ‌ترین تهدید برای رشد اقتصادی مولد در آینده است و نشان می‌دهد مشکل کشور کمبود منابع نیست، بلکه سوءتخصیص منابع است.

۳- آسیب‌پذیری اجتماعی و تشدید نابرابری

مشاغل خدماتی که در غیاب صنعت رشد می‌کنند، اغلب فاقد ثبات شغلی، بیمه، حقوق و مزایای مکفی هستند. این امر به گسترش فقر، نابرابری و اقتصاد غیررسمی دامن می‌زند. تمرکز نیروی کار در مشاغل خدماتی کم‌درآمد، قدرت چانه‌زنی کارگران را کاهش داده و به فرسایش طبقه متوسط منجر می‌شود که خود پایه‌های ثبات اجتماعی را سست می‌کند.

■ **نقشه راه گذار؛ سیاست‌های چهارگانه برای احیای صنعت**

برای شکستن این چرخه معیوب و قرار دادن قطار اقتصاد در ریل توسعه صنعتی، نیازمند یک تغییر پارادایم در حکمرانی اقتصادی و اتخاذ مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ و جسورانه هستیم. راهکار اصلی، تدوین و اجرای یک سیاست صنعتی فعال (Active Industrial Policy) است که هدف آن نه سرکوب بخش خدمات، بلکه هدایت آن در راستای تقویت بخش‌های مولد است. این سیاست باید بر ۴ ستون اصلی استوار باشد.

۱- اصلاح ساختاری نظام دستمزدها

باید پذیرفت جذابیت مشاغل صنعتی برای نیروی کار، بویژه نسل جوان کاهش یافته است. برای معکوس کردن این روند، صرفاً افزایش دستوری حداقل دستمزد کافی نیست. لازم است یک بازنگری اساسی در نظام پرداخت انجام شود تا انگیزه کافی برای جذب و ماندگاری نیروی کار در بخش صنعت و کشاورزی ایجاد شود. این اصلاحات می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- ایجاد تفاوت معنادار بین دستمزد در بخش‌های مولد و بخش خدمات ساده.
- پیوند زدن بخشی از دستمزد به بهره‌وری و مهارت کارگران.
- ارائه بسته‌های حمایتی غیرنقدی جذاب مانند بیمه تکمیلی قوی، کمک‌هزینه مسکن و فرصت‌های آموزشی و ارتقای شغلی برای کارگران صنعتی.

۲- سیاست‌های انبساط پولی هدفمند برای کاهش فشار هزینه

صنعت کشور زیر بار هزینه‌های سنگین مالی در حال خرد شدن است. برای حل این مشکل، باید از سیاست انبساط پولی بی‌هدف که تنها به تورم دامن می‌زند، پرهیز کرد و به سمت سیاست‌های انبساط پولی هدفمند حرکت کرد. این به معنای آن است که بانک مرکزی و دولت باید با طراحی مکانیزم‌های مشخص وام‌های سرمایه در گردش ارزان‌قیمت را به صورت هوشمند و کنترل‌شده به صنایعی اختصاص دهند که دارای مزیت رقابتی، پتانسیل صادراتی و توانایی ایجاد اشتغال بالا هستند. این تزریق نقدینگی هدفمند، فشار هزینه‌های مالی را از دوش تولیدکننده برداشته و به او امکان تنفس، افزایش تولید و فعال‌سازی ظرفیت‌های خالی را می‌دهد.

۳- راهبرد توسعه صادرات‌محور برای فعال‌سازی ظرفیت‌های خالی

بازار داخلی به تنهایی توان جذب تمام ظرفیت تولیدی کشور را ندارد. کلید فعال‌سازی ظرفیت‌های خالی صنعتی، صادرات‌محور شدن است. دولت باید نقش تسهیلگر فعال را برای صادرکنندگان ایفا کند. این حمایت‌ها باید فراتر از شعار باشد و شامل اقدامات عملی زیر شود.

- ارائه مشوق‌های صادراتی مؤثر مانند معافیت‌های مالیاتی بر درآمدهای صادراتی
- تثبیت نسبی و قابل پیش‌بینی کردن سیاست‌های ارزی برای کاهش ریسک صادرکنندگان.
- رایزنی‌های دیپلماتیک فعال برای بازاریابی و رفع موانع تجاری در کشورهای هدف.
- ساده‌سازی و تسریع فرآیندهای گمرکی و اداری مرتبط با صادرات.

۴- تقویت هدفمند مصرف داخلی

در کنار نگاه به بازارهای خارجی، احیای تقاضا در بازار داخلی نیز یک ضرورت است. این امر باید از طریق سیاست‌های انبساطی هدفمند که قدرت خرید عموم مردم را تقویت می‌کند، انجام شود. اقداماتی مانند افزایش متناسب حقوق‌ها، ارائه کارت‌های اعتباری خرید کالای ایرانی و اجرای سیاست‌های حمایتی برای اقشار کم‌درآمد می‌تواند به احیای مصرف مردم کمک کند. این افزایش تقاضا، یک سیگنال مثبت به تولیدکنندگان داخلی در بخش صنعت و کشاورزی ارسال می‌کند و آنها را به افزایش تولید ترغیب می‌کند. نکته کلیدی این است که این سیاست‌ها باید با سیاست‌های مدیریت واردات همراه باشد تا افزایش تقاضا به جای تولید داخلی، سر از بازار کالاهای وارداتی درنیاورد.

■ **نتیجه‌گیری: انتخاب میان توسعه پایدار و رکود ساختاری**

داده‌های آماری ۲ دهه اخیر صرفاً یک گزارش عددی نیست، بلکه یک هشدار جدی است. اقتصاد ایران بر سر یک دوراهی تاریخی قرار گرفته است: یا ادامه مسیر فعلی و تعمیق «رشد خدماتی نامتوازن» که سرانجامی جز رکود ساختاری، نابرابری و وابستگی ندارد یا ایجاد یک چرخش راهبردی به سوی توسعه صنعتی مبتنی بر یک سیاست روشن و فعال. رشد بخش خدمات پدیده‌ای مذموم نیست اما زمانی به موتور پیشران اقتصاد تبدیل می‌شود که در پیوند ارگانیک با یک بخش صنعت و کشاورزی دانش‌بنیان، رقابت‌پذیر و صادرات‌محور قرار گیرد.

راهکارهای چهارگانه پیشنهادی - اصلاح نظام دستمزد، تأمین مالی هدفمند، تشویق صادرات و تقویت تقاضای داخلی - اجزای یک پازل منسجم برای احیای اقتصاد مولد است. اجرای موفقیت‌آمیز این نقشه راه، نیازمند اراده سیاسی قوی، هماهنگی کامل میان نهادهای حکمرانی ازجمله دولت، مجلس، بانک مرکزی و تغییر نگاه از مدیریت روزمره بحران‌ها به برنامه‌ریزی استراتژیک و بلندمدت است. آینده اقتصادی ایران و رفاه نسل‌های بعدی، در گرو انتخابی است که امروز انجام می‌دهیم.

گزارشی از حواشی احتکار برنج؛ کدام دستگاه‌ها تکالیف خود را انجام ندادند؟

زخم احتکار

در پی اظهارات اخیر حجت‌الاسلام محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه، درباره گرانی غیرمتعارف برنج و افشای احتکار گسترده توسط یک شرکت بزرگ، زنگ هشدار برای امنیت غذایی و سلامت اقتصادی کشور بار دیگر به صدا درآمده است. این سخنان که به تشکیل پرونده تعزیراتی برای شرکت متخلف و دستور رسیدگی فوری منجر شد، شاید بخشی از مسائل این حوزه باشد که ریشه در ضعف‌های ساختاری، ناکارآمدی نظارتی و سیاست‌های اقتصادی متزلزل دارد. اگرچه اقدام دستگاه قضا برای برخورد با متخلفان ستودنی است اما این رویداد تلخ فرصتی برای کالبدشکافی عمیق دلایل این آشفته‌بازار و حرکت به سوی راهکارهایی پایدار است تا کام مردم بیش از این از گرانی کالاهای اساسی تلخ نشود.

■ **چرا بازار برنج ملتهب شد؟**

گرانی سرسام‌آور برنج که یکی از ستون‌های اصلی سبد غذایی خانوار ایرانی است، محصول یک عامل واحد نیست، بلکه معجونی از چند عامل مخرب اقتصادی و مدیریتی است.

۱- تورم افسارگسیخته و سودای سوداگری

اقتصاد ایران در سالیان اخیر با نرخ تورم بالا دست‌وپنجه نرم می‌کند. در چنین فضایی که ارزش پول ملی روزبه‌روز کاهش می‌یابد، هر کالای بادوامی به یک ابزار سرمایه‌گذاری تبدیل می‌شود. سوداگران با پیش‌بینی تداوم تورم، به جای عرضه کالا در بازار، آن را انبار می‌کنند تا در آینده با قیمت‌های گزاف به فروش رسانده و سودهای کلان به جیب بزنند. این رفتار که در اقتصاد به آن «انتظار تورمی» می‌گویند، خود به یک موتور محرک برای گرانی بیشتر تبدیل می‌شود و احتکار را به گزینه‌ای جذاب برای بازیگران بزرگ بازار بدل می‌کند.

۲- سیاست‌های تجاری متناقض و ضعف در تولید

بازار برنج در سال‌های اخیر شاهد سیاست‌های متناقضی در حوزه واردات بوده است. ممنوعیت‌های فصلی یا دوره‌ای واردات که با هدف حمایت از تولیدکننده داخلی اعمال می‌شود، در عمل به دلیل عدم پیش‌بینی دقیق نیاز بازار و ظرفیت تولید به ابزاری برای ایجاد کمبود مصنوعی و رانت‌جویی تبدیل شده است. آمار غیردقیق از میزان تولید داخل، همان‌طور که توسط انجمن واردکنندگان برنج نیز اشاره شده منجر به برآوردهای اشتباه از میزان کسری بازار و تصمیم‌گیری‌های غلط در حوزه واردات می‌شود. این سردرگمی در سیاست‌گذاری، فضا را برای سودجویانی که از ارتباطات خاص برای واردات یا پیش‌خرید عمده محصولات داخلی بهره می‌برند، مهیا می‌کند.

۳- احتکار سازمان‌یافته و حلقه مفقوده نظارت

پرونده‌ای که رئیس قوه‌قضائیه به آن اشاره کرد نمونه بارز ضعف سیستماتیک در نظارت است. شرکتی توانسته حجم عظیمی از برنج کشور را خریداری و در انبارهایی خارج از سامانه جامع انبارها نگهداری کند. این سامانه که برای رصد شفاف ورود و خروج کالا و جلوگیری از احتکار طراحی شده است، در عمل یا به طور کامل اجرایی نشده یا توسط سوداگران به راحتی دور زده می‌شود. وقتی نظارت بر زنجیره تأمین از زمین کشاورزی تا سفره هوشمند و یکپارچه نباشد، حلقه‌های واسط به سادگی می‌توانند با انبار کردن کالا نبض بازار را در دست گرفته و قیمت‌ها را به صورت ساختگی افزایش دهند. این تخلف تنها به برنج داخلی محدود نبوده و گزارش‌ها حاکی از تخلفات مشابه در توزیع برنج وارداتی نیز هست.

۴- کژکارکردی نهادی و ناهماهنگی دستگاه‌ها

بحران برنج نشان داد دستگاه‌های مسؤول از جمله وزارت جهاد کشاورزی، سازمان تعزیرات حکومتی و سایر نهادهای نظارتی هماهنگی لازم برای مدیریت بازار را ندارند. تأخیر در واکنش به افزایش قیمت‌ها، ارائه آمارهای متناقض و نبود یک راهبرد واحد برای تنظیم بازار، فرصتی طلایی در اختیار محتکران قرار داد. افشاگری رئیس قوه‌قضائیه نشان داد یک بحران ملی ماه‌ها در جریان بوده، در حالی که نهادهای متولی یا از آن بی‌خبر بوده یا در مقابله با آن ناتوان عمل کرده‌اند.

■ **از واکنش تا پیشگیری**

برای جلوگیری از تکرار این بحران‌ها و بازگرداندن آرامش پایدار به بازار، اقدامات واکنشی و موردی کافی نیست. یک اصلاح ساختاری و همه‌جانبه ضروری است:

تقویت نظارت و شفافیت کامل: نخستین گام الزام قطعی و بدون استثنای تمام انبارداران، از مراکز بزرگ لجستیک تا انبارهای کوچک، به ثبت‌نام و گزارش‌دهی مستمر در سامانه جامع انبارها است. این سامانه باید با بازرسی‌های سرزده و تصادفی توسط نهادهای نظارتی مستقل پشتیبانی شود و گزارش‌های کلی موجودی کالاهای اساسی به صورت عمومی منتشر شود تا شفافیت جای پنهان‌کاری را بگیرد.

اصلاح ساختار تنظیم بازار و واردات: سیاست‌های تجاری باید مبتنی بر پیش‌بینی دقیق، بلندمدت و باثبات باشند. ممنوعیت‌های ناگهانی واردات باید جای خود را به یک نظام تعرفه‌ای هوشمند بدهد که هم از تولیدکننده داخلی حمایت کند و هم مانع شوک قیمتی به مصرف‌کننده شود. تخصیص ارز برای واردات کالاهای اساسی باید کاملاً شفاف و قابل رصد باشد تا از رانت‌جویی جلوگیری شود.

برخورد قاطع و پیشگیرانه قضایی: دستور رئیس قوه‌قضائیه برای رسیدگی سریع به پرونده شرکت متخلف باید به یک رویه دائمی تبدیل شود. تسریع در صدور احکام، اعلام عمومی نتایج دادگاه‌ها و اعمال مجازات‌های سنگین و بازدارنده برای محتکران، هزینه تخلف را به قدری بالا می‌برد که سودای احتکار را از سر سودجویان بیرون کند.

حمایت واقعی و هدفمند از تولید داخلی: امنیت غذایی پایدار تنها با تقویت تولید داخلی محقق می‌شود. این حمایت باید فراتر از شعار باشد و در قالب سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های کشاورزی (مانند سیستم‌های نوین آبیاری)، ارائه تسهیلات کم‌بهره به کشاورزان و خرید تضمینی محصولات با قیمت منصفانه و پرداخت به موقع مطالبات آنان عملی شود.

بحران گرانی برنج بیش از آنکه یک تخلف اقتصادی ساده باشد، آیینه‌ای از ناکارآمدی‌های انباشته در نظام اقتصادی و نظارتی کشور است. هرچند تحریم‌ها و مشکلات طبیعی مانند کم‌آبی بر اقتصاد ایران فشار می‌آورند اما مدیریت ناکارآمد، فساد و ضعف شفافیت، این فشار را به بحرانی طاقت‌فرسا برای معیشت مردم تبدیل می‌کند. برخورد قاطع با یک شرکت متخلف گامی مثبت اما ناکافی است. راه‌حل نهایی در گروی ایجاد هماهنگی کامل میان دستگاه‌های اجرایی و نظارتی، شفاف‌سازی مطلق زنجیره تأمین، تدوین سیاست‌های باثبات اقتصادی و برخورد بدون اغماض با شبکه‌های فساد است. تنها در این صورت است که می‌توان به بازگشت اعتماد و آرامش به سفره‌های مردم امیدوار بود.

اخبار

دستور فوری حمایت مالی از تولیدکنندگان آسیب‌دیده از جنگ

بانک مرکزی در اجرای تصویب‌نامه هیات وزیران، بخشنامه‌ای به شبکه بانکی کشور ابلاغ کرد که بر اساس آن بازپرداخت تسهیلات واحدهای تولیدی آسیب‌دیده از جنگ تحمیلی ۱۲روزه، تا ۳ ماه تمدید شده و تسهیلات ویژه‌ای برای حمایت مالی این واحدها در نظر گرفته شده است.

در پی تصویب‌نامه شماره ۱۳۴۰۰/م مورخ ۱۲ تیرماه ۱۴۰۴ هیات وزیران که اخیراً از حالت محرمانه خارج شد، بانک مرکزی مجموعه‌ای از اقدامات فوری و حمایتی را برای جبران آسیب‌های وارده به واحدهای تولیدی و صنعتی متأثر از جنگ تحمیلی ۱۲روزه اخیر تدوین و ابلاغ کرده است.

این تصویب‌نامه که در چارچوب بسته حمایتی اقتصادی دولت پس از جنگ به پیشنهاد ستاد اقتصادی تهیه شد، ناظر به تسهیل تأمین مالی، بازپرداخت تسهیلات، ترخیص مواد اولیه و ارتقای ظرفیت تولید اقلام حیاتی مانند دارو و تجهیزات پزشکی است.

در اجرای بند ۶ این تصویب‌نامه، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف شد دستورالعمل اجرایی مرتبط را با همکاری وزارت صمت، وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور تهیه و به شبکه بانکی کشور ابلاغ کند.

آخرین قیمت طلا، دلار و سکه

قیمت طلای ۱۸عیار هر گرم روز گذشته در بازار آزاد ۷ میلیون و ۵۹۰ هزار تومان و سکه تمام‌بهار آزادی طرح جدید ۸۴ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان بود.

دیروز در بازار آزاد، طلای ۱۸عیار هر گرم ۷ میلیون و ۵۹۰ هزار تومان، سکه تمام‌بهار آزادی طرح قدیم ۷۶ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان و سکه تمام‌بهار آزادی طرح جدید نیز ۸۴ میلیون و ۴۰۰ هزار تومان معامله شد.

در بازار سبزه‌میدان، قیمت نیم‌سکه بهار آزادی ۴۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان، ربع‌سکه بهار آزادی ۲۶ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و سکه گرمی ۱۴ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان تعیین شد و به فروش رسید.

همچنین هر مثقال طلا در بازار داخلی ۳۲ میلیون و ۸۸۰ هزار تومان ارزش‌گذاری شد، ضمن اینکه قیمت هر اونس طلا در بازارهای جهانی ۳۳۶۶ دلار بود.

قیمت اسکناس دلار توافقی در بازار تجاری نیز دیروز با افزایش نسبت به روز کاری قبل، به نرخ ۷۱ هزار و ۹۱۴ تومان و قیمت توافقی حواله دلار نیز به نرخ ۶۹ هزار و ۸۱۹ تومان رسید.

قیمت توافقی هر اسکناس یورو در مرکز مبادله ایران نیز با افزایش نسبت به روز کاری قبل به ۸۳ هزار و ۲۷۲ تومان و نرخ حواله یورو به ۸۰ هزار و ۸۴۷ تومان رسید.

از سوی دیگر، اسکناس درهم امارات نیز با افزایش نسبت به روز کاری گذشته، ۱۹ هزار و ۵۸۱ تومان ارزش‌گذاری شد و نرخ حواله درهم نیز ۱۹ هزار و ۱۱ تومان بود.

چگونگی ترخیص کالاهای مشمول فهرست ۲ گمرک مشخص شد

با بخشنامه گمرک ایران چگونگی ترخیص کالاهای مشمول فهرست مشترک سازمان ملی استاندارد و سازمان غذا و دارو مشخص شد.

مدیرکل دفتر واردات گمرک ایران درباره اجرای دادنامه شماره ۱۴۰۲۳۱۳۹۰۰۰۳۳۵۹۷۳۳ هیات عمومی دیوان عدالت اداری با موضوع ترخیص کالاهای مشمول فهرست مشترک سازمان ملی استاندارد و سازمان غذا و دارو، نظریه معاونت حقوقی رئیس‌جمهور درباره نحوه اجرای دادنامه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری دایر بر ابطال اطلاق ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تقویت و توسعه نظارت استاندارد بخشنامه‌ای را به گمرکات اجرایی ابلاغ کرد.

اطلاق حکم مندرج در ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد از حیث تعیین مرکز ملی تأیید صلاحیت ایران به عنوان تنها مرجع رسمی تأیید صلاحیت، اعتبارسنجی و اعتباردهی بر اساس مفاد بند ۱۰ ماده ۷ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد مصوب ۱۳۹۶، از حیث عدم توجه به مفاد تبصره ۴ ماده ۳ قانون تقویت و توسعه نظام استاندارد که مقرر می‌دارد خدمات بهداشتی - درمانی و دارویی مشمول حکم این ماده نیست محل ایراد قرار گرفته و ابطال شده است.

اصلاح شیوه‌نامه تشویق بخش خصوصی برای مشارکت در واگذاری‌ها

هیأت واگذاری در جلسه اخیر خود، اصلاح شیوه‌نامه «تشویق بخش‌های خصوصی و تعاونی به منظور جلب مشارکت در واگذاری‌ها» را در دستور کار قرار داد.

هیأت واگذاری در جلسه مورخ ۱۳ مرداد ۱۴۰۴، اصلاح شیوه‌نامه «تشویق بخش‌های خصوصی و تعاونی به منظور جلب مشارکت در واگذاری‌ها» را در دستور کار قرار داد و پس از موافقت با اعمال برخی اصلاحات، تسری مفاد شیوه‌نامه یاد شده را برای تمام بنگاه‌های مشمول واگذاری به تصویب رساند.

در چهارصدوسی‌وششمین جلسه هیأت واگذاری، موضوع تعیین‌تکلیف «نحوه استفاده از امتیازات سهام ممتاز متعلق به دولت در شرکت‌های مشمول واگذاری بالاخص در نحوه قیمت‌گذاری شرکت مدیریت تولید و بهره‌برداری نیروگاه‌های سیکل ترکیبی خیام» مطرح و با توجه به عدم وجود یک رویه مشخص برای چگونگی نحوه قیمت‌گذاری شرکت‌های دارای سهام ممتاز، در شرکت موصوف، بر تصمیم جلسه مورخ ۱۴۰۴/۴/۱۶ تاکید و مقرر شد سازمان خصوصی‌سازی با همان قیمت‌پایه و شرایط واگذاری مصوب و با لحاظ ارزش سهام ممتاز در قیمت‌گذاری شرکت مذکور در مجموع به ارزش ۴۳۲،۸۰۵،۲۰۰،۰۰۰ ریال نسبت به انتشار آگهی اقدام کند.